خراسان بزرگ:سال چهارم،شماره(۱۱)، تابستان ۱۳۹۲
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.4, No. 11, Summer 2013

نقش ایوان در معماری بوم گرای روستایی (روستای کنگ-خراسان)

ناجیه ابویسانی جغتایی [۱]، امیر احمد امینیان [۲]، خسرو صحاف [۳]

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۹
تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۱۹

چکیده

هر کجا که تنوع طبیعی و انســانی تحت تأثیر تاریخ قرار می گیرد، نوعــی الگوی زندگی منحصر بفرد و پدیدآورندهٔ معماری بومی شکل می گیرد. طرح های بومی، بناهای سنگی و ایوانهایی با ستونهای نگهدارندهٔ چوبی و سقفهای تیرپوش در روســتاهای کوهپایه ای استان خراســان رضوی، همه و همه یادآور معماری گذشتهٔ سرزمینمان و بناهای باستانی همچون تخت جمشــید و .... می باشند. این عناصر فضاهای زنده ای را بوجود می آورند که کاملاً منطبق بر نیاز و فرهنگ منطقه خلق شده اند و جای بسی تأمل دارند. از این رهگذر به معرفی معماری خانه های روســتاهای کوهپایه ای و بطور خاص بررســی عنصر ایوان بعنوان مشخصهٔ معماری بومی منطقه در روســتای کوهپایه ای کنــگ، از توابع بخش طرقبه می پردازیــم. تحقیق پیش رو حاصل مطالعات کتابخانه ای و مطالعات میدانی و ثبت مشاهدات و برداشتهای نگارنده از معماری روستا می باشد.

واژگان کلیدی:
ایوان، خانهٔ روستایی، روستای کنگ، معماری بومی

---

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی(واحد علوم و تحقیقات سیستان و بلوچستان)،
abavisani_naji@yahoo.com
۲. دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه امام رضا(ع)
۳. دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

مقدمه

برای معماری اصولی باید درک عمیـــق از بافت جامعه و فرهنگ خاص هر منطقه داشـــت. شناخت فرهنگ و معماری بومی، برای تکرار مو به مو از شـیوۀ ساخت آنها نیست، بلکه آشـــنایی با تدابیر اقلیمی و شناخت شگفتی های معماری گذشـــتگان و حفظ آنها و در نهایت دست یافتن به اصولی اســـت که بتوان به کمک آنها در جهت اصلاح ساختار معماری امروزه گام برداشت.

آنچه این مقاله از معماری بومی می آموزد، لزوم توجه به فضاهای نیمه باز و ایوان به عنـــوان عاملی در بالا بردن کیفیت و غنای فضایی خانه اســـت. در این رهگذر ایوان به لحاظ کارکردی، تاریخـــی و مفهومی مورد توجه قرار گرفته است و نیز به جســـتجوی نمونه های اولیه ایوان و حضور و ادامۀ آن تا دوران معاصر و در نهایت به مطالعه و بررسی آن به عنوان یکی از الگوهای معماری خانه های روستایی در روستای کنگ (روستای کوهپایه ای واقع در استان خراسان رضوی) می پردازد.

۲- تعریف و مفهوم نمادین ایوان

ایوان در لغت نامۀ دهخدا به معنای صفه، طاق، نشستگاه بلند که بر آن سقف باشد، همچنین پیش گشاده و درگاه آمده است و نیز در فرهنگ عمید تحت عنوان قسمتی از ساختمان که جلو آن باز و بدون پنجره باشد، آمده است.

ایوان به فضایی نیمه باز و عمدتاً مسقف اطلاق می شود که مقابل فضاهای زیستی قرار دارد که مقابل فضاهای زیســـتی قرار دارد و رابط بین فضای باز حیاط و فضای بستۀ داخل می باشـــد. ایوان بصورت فضای مستطیل شکل و کشـــیده اســـت که مقابل یکی از اضلاع بنا که معمولاً بیشترین بازشو ها در آن قسمت می باشد، ساخته می شود[۱].



ایوان از مهمترین فضاهای معماری ایرانی اســـت و در بیشتر خانه های سنتی به چشـــم می خورد که به لحاظ فرم، ابعاد و جایگاه متنوع است. فضاهای زیادی مترادف ایوان هســـتند. به عنوان مثال نوع بدون ســـقف آنرا گاه بهارخواب و در برخی شـــهرها مهتابی (شـــکل ۱) می گویند. گونۀ دیگری از آن با ســـتونهای متعدد در جلو و ارتفاعی برابر ســـقف و عرض کم، رواق (شـــکل ۲) نام دارد[۲].



و اما از دیدگاه ماوراء طبیعی، ایـــوان خود مقام نفس می تواند به شـــمار آید که میان باغ یا حیاط در حد روح و اتاق در حد جسم ســـیر می کند]۳[. در نهایت می توان ایوان را هم به لحاظ ظاهری و هم به لحـــاظ مفهومی، نقطۀ گذار از زمین به آسمان دانست. بطوریکه در دید از بیرون (شکل ۳)، ایوان همانند معرف و پیشانی بنا محسوب می شود و در دید از داخل (شکل ۴)، چشم خانه به شمار می رود.





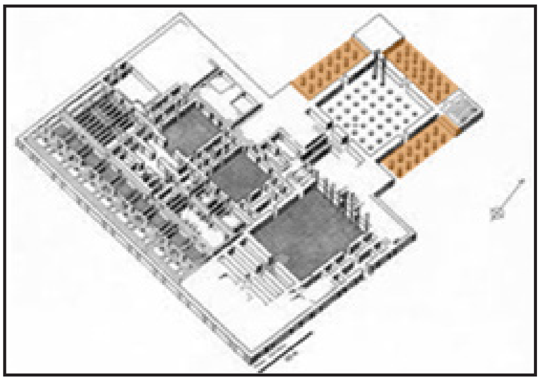
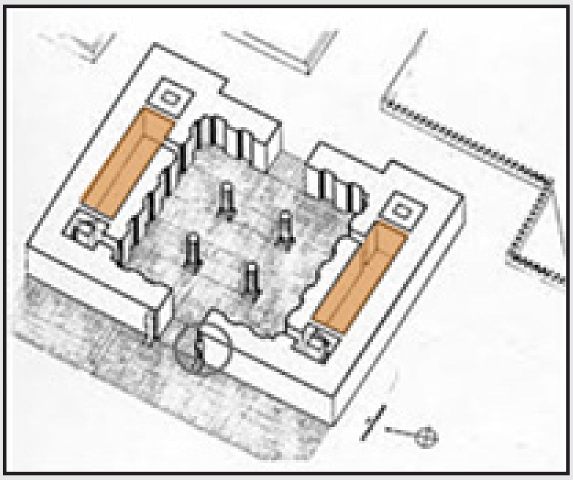
۳- تاریخچهٔ ایوان در معماری ایران

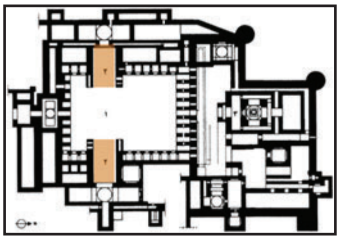
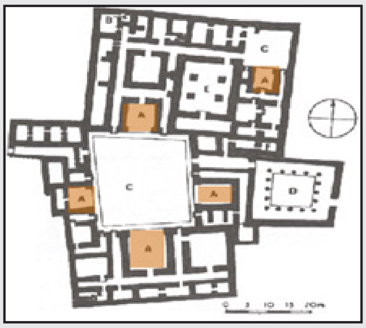
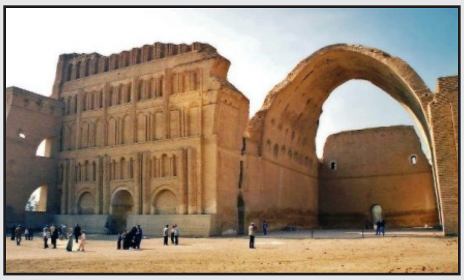
از میان فرضیه هایی که در مورد پیدایش ایوان ذکر شـــده اســـت، تصور برخی که ایوان را همانند چادر سنگی دانسته اند، قابل توجه است. به نظر این گروه، مردم بیابانگرد چون سکونت در آبادی را برگزیدند، برای حفظ ارتباط با طبیعت، استفاده از اتاق سه دیواره را معمول داشتند.

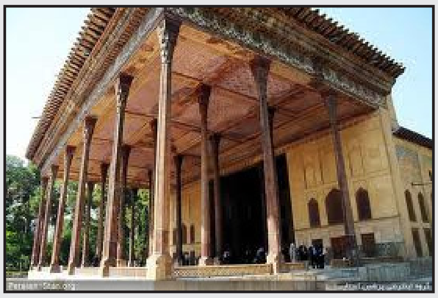
با وجود ابهام در چگونگی پیدایش ایوان، دانشـــمندانی که در تاریخ ایران مطالعه کرده اند، آنرا پدیده ای شـــاخص از معماری ایران می دانند]۴[.

نگاهی به آثـــار باقیمانده از بناهای ایـــران و خانه ها بطور ویژه، در دوره های باســـتانی و تاریخی، نشان می دهد که حداقل از عصر هخامنشی به این سو، بناهای ایوان دار یکی از سه کانســـپت اصلی و ادامه دار معماری ایران را دارا بوده اند؛ که دو کانسپت دیگر گنبد و ستون می باشد]۵[.

در (جدول ۱) نمونه هایی از کاربرد ایوان در دوره های مختلف از تاریخ معماری ایران را معرفی خواهیم کرد.

دوره	بنا	توضیحات
هخامنشی	کاخ آپادانا	
	کاخ بار	

اشکانی	شهر هترا	
	کوه خواجه	
	کاخ آشور	
ساسانی	کاخ سروستان	
	ایوان مدائن	

صفوی	عالی قاپو	
	چهلستون	

از بررســـی ایوان به عنوان یکی از شـــاخصه های معماری ایرانی در طی هزاران ســـال مشاهده می شـــود که سنت ســـکونت در ایران همواره شامل هر ســـه نوع فضای باز، بسته و نیمه باز می شده است و این در حالیست که نه تنها هیچکدام دیگری را نفی نمی کنـــد، بلکه در واقع مکمل یکدیگر برای فراهم آوردن نیازهای ســـکونت انسان می باشند.

٤-نقش ایوان در معماری خانه

معماری ایرانی به همهٔ جلوه های گوناگون زیســـتی انسان احترام می گذاشته و پاســـخی درخور و مناسب به آنها داده است، این است که حتی عملی مانند گذار که شاید امروزه در معمـــاری کمتر بـــه آن پرداخته می شـــود، در معماری سنتی دارای ارزشـــهای فرمی و فضایی قابل توجهی بوده و به الگـــوی معماری موفق بدل می گـــردد. به این ترتیب که در معماری سنتی فضاهای نیمه باز بعنوان فضای گذار و ارتباط دهندهٔ دو فضای باز و بســـته نقـــش ایفا می کند و فضاهای بسته به واســـطهٔ فضاهای نیمه باز با فضاهای باز در ارتباط اند. این فضاها و به ویژه ایـــوان، خصوصیاتی از هر دو گروه فضاهای باز و بســـته در خود دارنـــد و در ادامه هر دو دارای کارکـــرد عملکردی و فرمی می باشـــند. در معماری خانه های ســـنتی ســـه گروه فضایی باز، نیمه باز و بســـته بصورت مجزا ساخته نشـــده اند، بلکه هر کدام در امتداد دیگری معنا مـــی دهند. به این معنا کـــه فضاها به تدریج درجهٔ باز و بســـته بودن خود را از دست می دهند به نحوی که یکی به دیگری تبدیل می شـــود. این پیوستگی در ترکیب فضاها باعث می شود که فضاهای متوالی بعنوان بسط یکدیگر به کار روند. بعنوان مثال ایوان بسط پنج دری و پنج دری بسط ایوان اســـت. از سوی دیگر تداخل ترکیب لایه های عمودی و افقی اطراف حیاط، توالی و پیوستگی و ترکیب گروههای باز، بسته و سرپوشیده، انسداد فضایی را از بین بـــرده و در داخل خانه های تاریخی با ســـیالیت و شناوری مواجهیم]۶[.

گذشـــته از اینها، ایوان در فصول گرم کاربرد بسیار دارد و فعالیتهایی از جمله غذا خـــوردن، خوابیدن، کار خانه و...در آن اتفاق می افتد، همچنین باعـــث تعدیل هوای اتاقهای پشت خود در فصول گرم می گردد]۷[.

۵- نقش ایوان در خانه های روستایی

به دلیل استقرار روستاها در بســـتری طبیعی و بکر و تعامل آنها با محیط زیســـت، عنصر ایوان در مسکن روستایی از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار اســـت. از اینرو در جدول ۲ نقش ایوان را در خانه های روســـتایی در مواردی بررسی خواهیم کرد.

ایوان	تعامل انسان با طبیعت	چشم خانه دریچه ای بسوی محیط طبیعی گسترش جریان زندگی از فضای بسته به فضای باز دید و منظر زیبای روستا در حین انجام فعالیتهای روزانه ایجاد درک صحیح از زمان و محیط اطراف در انسان ایجاد امکان استفاده از منظر آسمان و چشم اندازهای طبیعت برای افراد
	حس مکان	جهتگیری مناسب به سمت منظرها و چشم اندازهای روستا خوانایی و روانی فضاها درک ساده و روان محیط اغلب نقش راهنما و هدایت کننده را ایفا می کنند
	سلسله مراتب	نقطهٔ واسط و گذار بینابینی: ۱-از داخل به خارج ۲- خصوصی به عمومی ۳- باز به بسته نقطهٔ گذار از زمین به آسمان
	سیالیت فضایی	نظاره بدون نیاز به حرکت فیزیکی و جابجایی در فضا ایجاد پویایی، پیوستگی و تداوم فضایی در خانه فضایی مفصل در میان فضاهای خانه برای ایجاد حی روانی و شناوری در فضاها
	فضای چند منظوره	محل دور هم جمع شدن افراد خانواده در ساعت خنک روز استراحت و خواب شبانه محلی برای انجام فعالیتهای روزانه مثل حصیر بافی، سبد بافی، قالی بافی و ... محلی برای دپو و انبار موقت
	پایداری	تناسبات عمق و ارتفاع: ۱- جذب انرژی خورشید در زمستان ۲-ایجاد سایه بر روی نما که مانع جذب نور و گرما در تابستان می شود فیلتری جهت جلوگیری از اتلاف انرژی ناشی از باز و بسته شدن درهای ورودی

عنصر ایوان در قسمتهای مختلف کشـــورمان با الگوهای زندگی متفاوت، از وحدتی خـــاص برخوردار اســـت و از جمله عواملی که باعث مشـــاهده تفاوت در تعداد، نحوهٔ قرارگیری و همچنین شکل و تزئینات ایوانها در مناطق مختلف می شـــود، یکی اقلیم و محیط طبیعی و دیگری خرده فرهنگها می باشـــند. در ادامهٔ بحث جهت بررســـی نقش و جایگاه ایوان در معماری خانه های روســـتایی در مناطق کوهســـتانی خواهیم پرداخت و از این رهگذر بعنوان نمونه روســـتای کوهپایه ای کنگ، واقع در استان خراســـان رضوی را برگزیده که در ادامه به مطالعهٔ معماری خانه در بافت روستا و نقش ایوان در الگوی زندگی اهالی خواهیم پرداخت.

٦-معماری بومی روستای کنگ

روستای کنگ با الهام گرفتن از طبیعت در طی قرنها و بر اساس نیاز مردمان این سکونتگاه رفته رفته رشـــد کرده و در هر گام بازیهای زیبایی در تعریف فضا از خود ارائه کرده اســـت. خصوصیت بسیار جالب و ارزشـــمندی که نه تنها کنگ، بلکه بسیاری از روستاهای ایران دارا هســـتند، ســـازگاری با طبیعت اطراف می باشد. مسائل مختلفی پدید آورندهٔ این سازگاری خواهند بود که از آن جمله نوع مصالح، جنس آن و نحوه برخورد با توپوگرافی، بی تکلفی و ... بوده است. البته طبیعت مشـــکلات و محدودیتهایی را به انسان دیکته می کند و این انسان است که باید با این محدودیتها بجنگد و یا آنها را بصورت حسن برای خود اســـتفاده کند. از جمله عوامل مؤثر در مورد معماری روستایی، نما ســـیمای عمومی روستا می باشد، چرا که تشکیل دهندهٔ نظام بصری حاکم بر روستا است و در واقع هویت روستا را در دید اول نشان می دهد و نیز عامل وحدت دهنده به بافت روستا می باشد. بررسی توده و فضا برای شناخت بافت در مکانهایی نظیر کنگ از اهمیت بسیار بالایی برخوردار اســـت و می توان به عنوان یک مسئلهٔ چند جهتی با آن برخورد کرد. هم می توان از دید پرنده با محیط برخورد کرد و هـــم اینکه می توان به صورت عابری در کوچه های آن قدم زد و به دیدگاهی خاص در مورد بافت روستا دســـت یافت. که در این بخش دو دیدگاه فوق را بررسی می کنیم. روستای کنگ روستایی سراســـر مدوله و منظم است. فرم واحدها مکعب مستطیل می باشد و هر مکعب بوسیله پنجره ها، درب ها (و مشبکها) تقسیم بندی و مدوله شده است و هر پنجره و هر مشبک

دوباره توسط نقوش مدوله شده اســت. ویژگیهای روستای کنگ از جمله شـــیب اراضی آن، کمبود زمین قابل توســـعه و اقلیم سرد و ســـخت این منطقه، مجموعه کالبدی را بوجـــود آورده که در آن قطعات زمین با اندازه های کوچک مربع یا مستطیلی شکل تقسیم می شوند و گســـترش آنها در جهت عمودی و در ارتفاع می باشد. در معماری خانه ها ایوانها را می تـــوان فضاهای نیمه بازی در نظر گرفت که حد فاصل فضای باز (معابر داخل بافت) و فضای بســـته (خانه) را تأمین می کند و سلسله مراتب منظمی از فضای پر، نیمه پر و خالی بوجود می آورد که در ادامه به بررســـی آن بعنوان عنصر شاخص معماری بومی منطقه خواهیم پرداخت.

٦-۱-ایوان

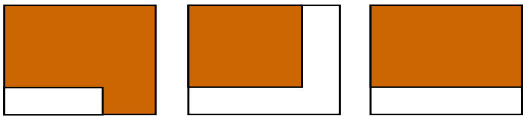
در معماری خانه های روســـتای کنگ، ایوان به عنـــوان یکی از مشخصه های کالبد خانه، اغلب در طبقات اول یا دوم، رو به سوی دره و منظر باغات روستا مشاهده می شود.

این عنصر را می توان از سه دیدگاه مورد بررسی قرار داد:

۱-کالبدفیزیکی

۲-شرایط محیطی

۳-زیباشناختی



شکل ۵: انواع الگوی ایوان در خانه های کنگ
مأخذ نگارنده

٦-۱-۱-کالبدفیزیکی

بدلیل وفور مصالح بوم آوردی چون چوب و استفاده از آن در ساخت خانه ها، معماری تمام بناها مدولی از مســـتطیل و مربع می باشد و در ایوانها نیز تبعیت از این فرم قابل مشاهده است. اغلب ایوانها در جلو اتاقها و بخصوص مهمان خانه ها و در امتداد شـــرق به غرب، عمود بر جهت جریان بادهای محلی استقرار یافته اند. ساده ترین الگوی قابل مشاهده در خانه های روســـتا، یک اتاق با بازشوهای رو به جنوب و ایوانی در مقابل آن برای انجام فعالیتهای روزانه می باشد که در خانه های مختلف جهت افزایش زیربنا، ابعاد اتاقها و در نهایت ابعاد ایوان افزایش یافته است.

بطور کلی هر ایوان از عناصر زیر تشکیل شده است (نمودار ۱):



٦-۱-۲-کالبدفیزیکی

بدلیل وجود سرمای شـــدید در فصل زمستان، ایوانها نقش فیلتر را جهت جلوگیری از ورود مســـتقیم هوای سرد به داخل بنا را ایفا می کنند و در تابستان با سایه اندازی روی جدارهٔ نما باعث خنکتر شدن دمیی داخل اتاق می شوند. از دیگر ویژگی های بارز قابل مشاهده در بافت مســـکونی، عدم وجود فضای سبز و گل و گیاه می باشد، از اینرو اهالی در ایوان خانه هایشان گلدانهای گل و گیاه نگهداری می کنند.

٦-۱-۳-زیباشناختی

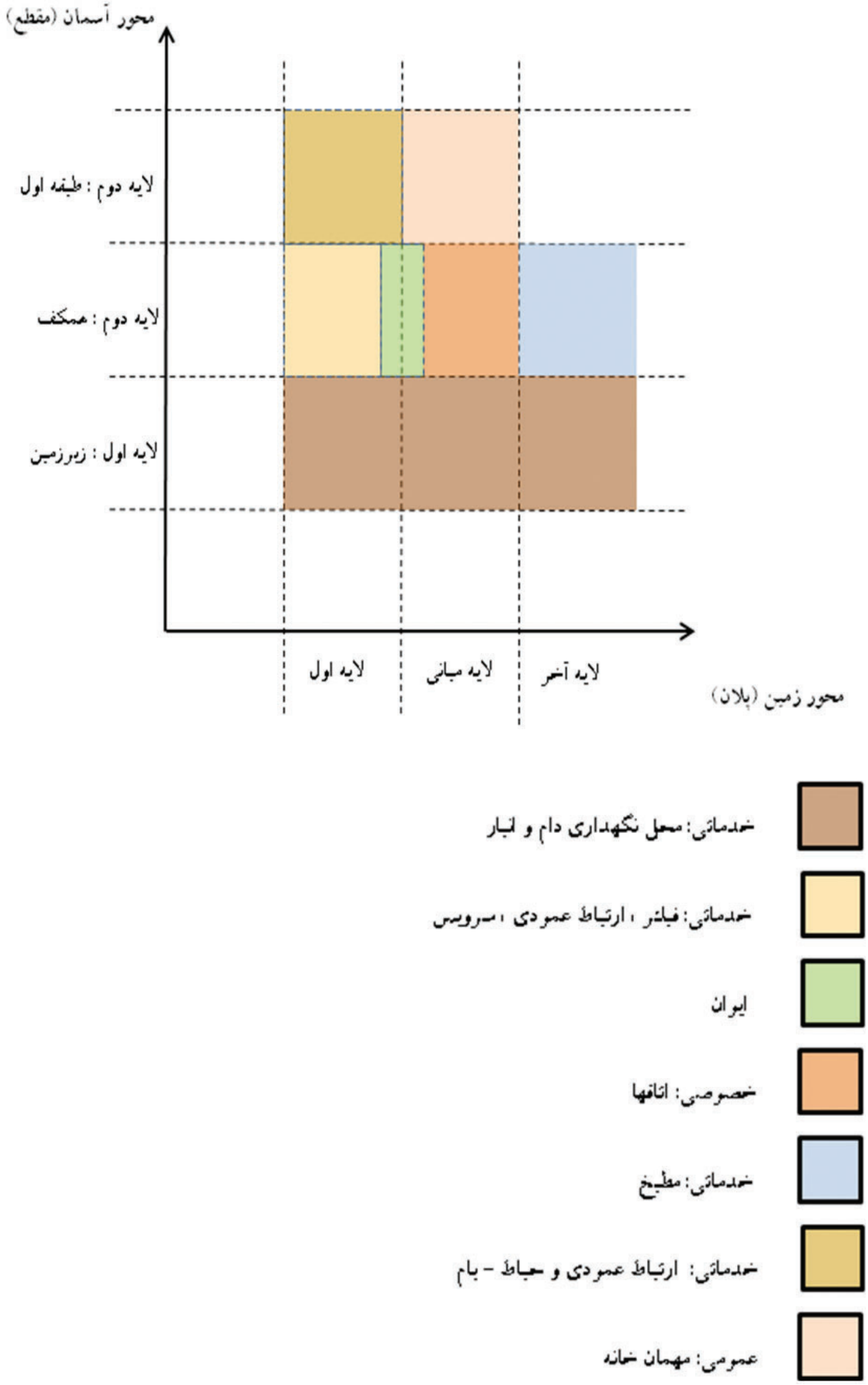
ویژگی های معمـــاری ایوانها، بیـــرون زدگی آنها از ســـطح نما، ستونهای چوبی و دستکهای نگهدارندهٔ زیر آنها و اتصالات، همگی از چوب اســـت. این مجموعه معمولاً دارای جزئیات و اتصالات نا منظمی اســـت که نه تنها باعث زشتی آن نمی شـــود، بلکه روحیهٔ روستایی و هویت معماری این منطقه را حفظ می کند.

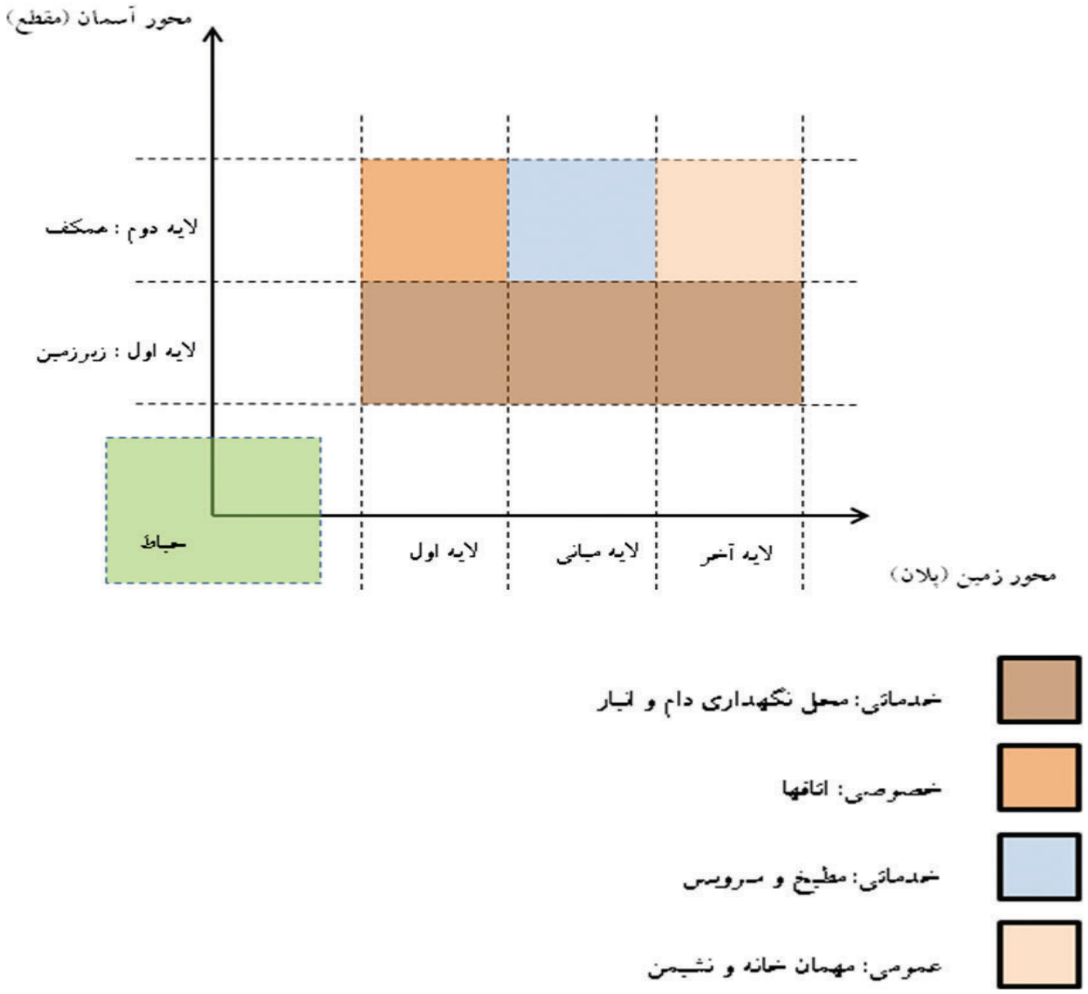
٦-۲-بررسی موقعیت ایوان در دو تیپ از خانه های روستا

در بافت مسکونی روستای کنگ دو تیپ مختلف از معماری خانه مشاهده می شود. تیپ اول خانه های برونگرای ۲ و ۳ طبقه که اکثر خانه های بافت را شامل می شوند و تیپ دوم خانه های درونگرای یک طبقه که به تعداد انگشت شمار در بافت برونگرای روستا به چشم می خورند. در ادامه به بررسی موقعیت قرارگیری ریز فضاهای سه نمونه از خانه ها خواهیم پرداخت.

بدین منظور(نمودار های ۲، ۳ و ۴) جهت نشان دادن نحوۀ قرارگیری فضاهای هر خانه در طبقات و در ارتفاع ترسیم شده اند.




محور آسمان (مقطع)
لایه دوم : طبقه اول
لایه دوم : همکف
لایه اول : زیرزمین
لایه اول
لایه میانی
لایه آخر
محور زمین (پلان)
خدماتی: محل نگهداری دام و انبار
خدماتی: فیلتر ، ارتباط عمودی ، سرویس
ایوان
خصوصی: اتاقها
خدماتی: مطبخ
خدماتی: ارتباط عمودی و حیاط - بام
عمومی: مهمان خانه



۷-نتیجه‌گیری

با توجه به نقش و اهمیت فضایی عملکردی ایوان در زندگی سنتی روستای کنگ و تداوم آن تا به امروز بهتر است در طراحی خانه های جدید روستا نیز این عنصر شاخص معماری بومی منطقه را مد نظر قرار دهیم.

در مطالعات میدانی انجام شده در بافت روستا، مشخص شد که رویکرد مردم روستا به مقولۀ فضای باز و نیمه باز و بالاخص ایوان به کلی با آنچه در شهرهای امروزه تحت عنوان تراس وجود دارد، متفاوت است. از آنجایی که در بافت مسکونی روستا فضای باز به ندرت مشاهده می شود و الگوی خانه های روستا اغلب برونگرا و بدون حیاط بوده و تنها فضای نیمه باز، که به عنوان مفصل، نقش ارتباط دهنده بیرون و درون را ایفا می کند، ایوانها هستند.

در حقیقت ایوانها در خانه های کنگ چشم خانه رو به سوی مناظر و چشم اندازهای زیبای اطراف روستا می باشند.

و نیز اگر خانه هایی بدون ارتباط درست و منطقی با این فضاهای سبز و چشم انداز زیبای اطراف بنا شوند و سلسله مراتب و تداوم میان سه گروه فضاهای باز، بسته و نیمه باز رعایت نگردد و ساکنین روستا از ادراک فضای نیمه باز ایوان و تجربه زندگی در آن و نیز استفاده از این فضا برای تماشای شبهای زیبای کوهستان محروم شوند، آنگاه می توان ادعا کرد که طراحی خانه موفق نبوده است.

بنابراین با توجه به نقش عملکردی و هویت ساز ایوان به عنوان یک الگوی مرجع و یکی از ضرورتهای خانه های روستا برای طراحی خانه های بومی جدید در بافت روستا بهتر است موارد زیر را در مورد ایوانها مد نظر قرار دهیم.

۱-مکانیابی ایوان در جبهۀ رو به دره در بنا (شکل ۸).

۲-رعایت ارتباط و تداوم منطقی میان ایوان و فضای بستۀ پشت آن و نیز رعایت تناسبات و تقسیمات و حرکت منطقی در ارتفاع (شکل ۶).

۳-در صورت امکان ۲ وجه از ایوان جهت رعایت مراتب حریم، بسته باشد (شکل ۷).

۴-ایوان با توده بنا تلفیق شود و به عنوان ترکیب حجمی ساختمان در آید.

۵-مساحت ایوان جزء زیربنای ساختمان محسوب نگردد تا بتوان از آن به عنوان یک رویکرد تشویقی برای اهالی روستا استفاده کرد.

فهرست منابع:

امینیان، س.، خدادادی، م. مفاهیم و تعاریف عناصر و فضاهای عملکردی در مسکن روستایی حاشیۀ خلیج فارس، فصلنامه آبادی، شماره ۶۰،(۱۳۸۷).
محمودی، ع. بازنگری اهمیت ایوان در خانه های سنتی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲،(۱۳۸۴).
اردلان، ن.، بختیار، ل. حس وحدت، نشر خاک، تهران،(۱۳۸۲).
تقوی، م. معماری شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، انتشارات یساولی، تهران، (۱۳۶۳).
جوادی، آ. معماری ایران به قلم ۳۳ پژوهشگر ایرانی، نشر مجدد، تهران، (۱۳۶۳).
حائری، م، پژوهشـــی درباره کاربرد اصول معماری خانه های سنتی/ تاریخی در طراحی مســـکن امروزی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، (۱۳۷۴).
صارمی، ع.، رادمرد، ت. ارزشهای پایدار در معماری ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، (۱۳۷۶).

بررسی باستان شناختی بر تدفین‌های سنگی بلوچستان (جنوب شرق ایران)

روح‌الله شیرازی [۱]، دکتر علیرضا عسکری چاوردی [۲]، سامان فرزین [۳]، عابد تقوی [۴]

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۳۱
تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۴

چکیده

پژوهش های باستان شناسی نشانگر آن است که نوعی از تدفین سنگی در منطقه جنوب و جنوب شرق ایران و جنوب غرب شبه قاره هند (بلوچستان پاکستان) رواج داشته است. در بررسی های باستان شناسی جدید که در جنوب مکران (نیکشهر و چابهار) انجام شده، نمونه های فراوانی از این نوع تدفین را آشکار ساخته است. در بین محوطه های شناسایی شده، بزرگترین و شاخصترین آنها محوطه دمب کوه در دشت باهوکلات می باشد. یکی از ویژگی های شاخص این قبور، تنوع در ساختارهای تدفین و نیز الگوی پراکندگی آنها می باشد. از لحاظ گاهنگاری در پژوهش های موجود، این قبور را به دوره پارتیان نسبت داده اند. که این تاریخگذاری بر مبنای شواهد سکه شناسی است که اشتاین در کاوش های دهه ۱۹۳۰ ارائه نموده است.
پژوهش حاضر با ارائه شواهد جدید باستان شناسی از قبیل: طبقه بندی ساختار قبور و گونه شناختی نمونه های سفالین به معرفی، دسته بندی و ارائه گاهنگاری نسبی این سنت تدفین می پردازد و تاریخگذاری پارتی آن را تایید می نماید.

واژگان کلیدی:

تدفین های سنگی، مکران، پارتیان، سنت های تدفین، گاهنگاری

۱. دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
۲. استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی دانشگاه شیراز
۳. نویسنده مسئول : دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه مازندران
Email: Saman_farzin2006@yahoo.com
۴. استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه مازندران

مقدمه

یکــی از منابع مهم در جهت شــناخت مذاهــب، فرهنگ و کارکردهای پیشــینیان، مطالعه تدفین های انجام شــده در گورهای باستانی است. تدفین در گذشــته بخشی از فرهنگ معنوی و مادی یک قوم محسوب می شود و در هر منطقه و در نزد هر قومی از ویژگیهای خاصی برخوردار است و از آن جا که نحوه خاکسپاری برخاسته از تفکرات، عقاید و فرهنگ جامعه است، بنابراین با بررسی این شــیوه ها می توان به شناسایی و بازسازی فرهنگ جوامع باستان پرداخت و همچنین پژوهش بر روی تدفینها یکــی از بهترین راههای مطالعــه تأثیر و تأثر تمدنهای همجوار در طول تاریخ بشــری اســت. تحقیق این مهم با مطالعه در شــیوه های تدفین عملی می گردد(محمدی فر، ۱۳۸۸:۵۶).

بلوچســتان یکی از نقاطی اســت که بر ســر راه مهاجرت نخستین گروههای انســانی از افریقا به سوی شرق آسیا قرار داشــته و از این رو یکی از مناطق مهم و کلیدی برای تحقیق در مورد شکلگیری نخستین جوامع انسانی به شمار میرود. دره بمپور که در منطقه بلوچســتان قرار دارد، یک شاهراه طبیعی اســت که این شــاهراه به غرب در طول رودخانه بمپور امتداد یافته اســت و به عنوان یکی از حلقههای اصلی ارتباطی بین شــرق و غرب ایفای نقش مینموده اســت(Stein, ۱۹۳۷: ۵۹-). موقعیت خاص منطقه که بر ســر راه ارتباطی شرق به غرب (هند به بینالنهرین و مصر) قرار گرفته اســت، موجبات شــکوفایی تمدنهایی را به وجود آورد که در برههای از زمان به عنوان حلقهــی ارتباطی بیــن مناطق فــوق ایفای نقش مینمودهاند. این محوطهها در محیط طبیعی تقریباً ناپایداری رشــد کرده بودند که به واســطهی حلقهی ارتباطی بزرگ و بزرگتر شدند.اســاس کار این پژوهش متمرکز بر روی شیوه گورســنگی (Cairn Burial) در منطقــه مکران جنوبی (شهرستان های نیکشهر و چابهار) در بلوچستان ایران است و نکته قابل ذکر اینست که این نوع تدفین تاکنون فقط در جنوب و جنوب شرق ایران تا حاشیه خلیج فارس دیده شده است و در خارج از ایران هم در پاکســتان، عمان و سواحل جنوبی خلیج فارس مشاهده شده اســت. این قبور معمولا در دامنه تپهها و صخرهها کنده و ساخته شده اند و از لحاظ ساختاری به صورت مدور یا بیضی شکل است که با انبوهی از سنگ روی آن را می پوشانند و تمامی این قبور دارای نوعی سفال خشن است. علت تاریخگذاری آن به دوره اشکانیان، پیدا شدن یک سکه مسی متعلق به ســناتروک مربوط به سالهای ۷۰-۷۷ق.م است که در منطقه دامبی کوه (Dambi-Koh) در بلوچستان ایران که از مهمترین ســایت های تدفین توده سنگی در ایران است یافت شده است می باشد(Karlovsky:۲۵۳, ۱۹۶۷) و این قبور در منطقه بلوچستان معروف به دامبی هستند.

با انجام بررسی جدید باستان شــناختی به سرپرستی روح الله شیرازی طی ســالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در منطقه بلوچستان و خصوصا در منطقــه مکران، گونه های ســاختاری این قبور و همچنین الگوی پراکندگی آنها به همرا نمونه های ســفالین جهت گاهنگاری نســبی قبور از محوطه گورستان ها بدست آمد که در این مقاله به معرفی و تحلیل این داده ها می پردازیم.

حوزه منطقه مورد مطالعه:

با توجه به مطالعات انجام شده درباره پراکندگی چگونگی شیوه های تدفین در ایران در دوره پارت به این نتیجه رســیدیم که تمرکز خود را بر بلوچســتان و منطقه مکران جنوبی قرار دهیم که بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان را شامل می شود . این بخش شامل شهرستان های نیکشهر که این شهرستان در جنوب غربی بلوچســتان بین مدار ۲۵ درجــه و ۴۵ دقیقه تا ۲۷ درجه و ۲ دقیقه عرض شــمالی و ۵۸ درجــه و ۵۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۵ دقیقه طول شــرقی واقع شده است. و چابهار در جنوب شرقی ترین نقطه ایران در فاصله ۶۰ تا ۶۱ درجه طول شرقی و ۲۵ تا ۲۶ درجه عرض شــمالی، قرار گرفته است. این شهرستان از سمت شمال به شهرستان ســرباز و نیکشهر، از شرق به کشور پاکستان، از جنوب به دریای عمان و از غرب به شهرستان کنارک محدود است (نقشه ۱)

پیشینه تحقیقات باستان شناســی بر روی قبور سنگی بلوچستان

نخســتین بار یک انگلیســی به نام میجر موکلر با ســفر به بلوچستان و بازدید از محوطه دمبی کوه، شرح مشاهدات خود را در ســال ۱۸۷۷ در مجلۀ انجمن ســلطنتی آسیایی انگلیس منتشــر نموده اســت. حدوداً شصت و پنج ســال پس از وی، سراورل مارک اشــتاین براســاس اطلاعات ارائه شده توسط موکلر در جریان سفر خود به بلوچســتان از محوطه دمبی کوه دیدن نموده و مطالعــات تقریباً مفصّل و منظّمــی را بر روی این محوطــه انجام داده اســت.. هدف علمــی او این بود که وابســتگیهای فرهنگی میان تمدنهای دره سند با غرب ایران و میانــرودان را درک کند و تاثیرهای دوگانه را مورد بررســی قراردهد. گرچه بررســیها و کاوشهای اشــتاین بیشتر حالت گردآوری داشــت اما ایــن مطالعات اهمیت بســیاری برای شناساندن این منطقه داشــت. (Stein, ۱۹۳۷: ۵۹-۱۸۰). از حــدود ۵۱۰۰ قبــری که اشــتاین گزارش کــرده بیش از ۳۰۰۰ مورد از آنها در دشتهای بلوچســتان واقع شدهاند(سید سجادی، ۱۳۸۳: ۳۰). لمبرگ کارلوفسکی هم در سال ۱۹۶۷ در بررسی خود در جنوب شــرق ایران، تعداد بسیار زیادی را از

این نمونه از تدفیــن ها گزارش می کنــد و بعضی از محوطه های دارای قبور ســنگی را شناســایی می کند و در مقاله خود با عنوان قبور ســنگی در جنوب شــرق ایران بــه معرفی می پردازد. (Karlovsky, ۱۹۶۷). پس از آن تاکنون هیچ گونه تحقیق کامل و جامعی از این نمونه از نحوه خاکسپاری صورت نگرفته است تا اینکه در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، روح الله شیرازی با بررسی روشمند در منطقه بلوچستان توانست محوطه های کلیدی و شاخص را به همراه داده های آن ها شناسایی و ثبت و ضبط نماید(شیرازی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹). لازم به ذکر است که نگارنده با عضویت در تیم بررســی و اجازه از سرپرست هئیت، مطالعه بر روی این قبور را به انجام رسانیدم.

روش تحقیق:

روش انجام این پژوهش نظری و به صورت میدانی می باشد. در ابتدا به صورت کامل و دقیق نسبت به شناسایی منابع و جمع آوری و استخراج اطلاعات و مدارک و گزارش های حفریات و بررسی های باستانشناسی اقدام شد، در مرحله روش میدانی، ابتدا نقشه های ۱:۵۰۰۰۰ از محل مورد بررسی تهیه گردید و پس از بررســی محوطه های دارای تدفین به تفکیک صورت پیمایش محوطه به محوطه توسط نگارندگان صورت پذیرفت و تمامی قبور مربوط به دوره اشــکانی در منطقه نیکشــهر و چابهار به همراه داده های جمع آوری شده ثبت و ضبط گردید. و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت تهیه فیش، جدول، طرح، نقشه و جدول بوده است.

طبقه بندی و گونه شناسی قبور سنگی بلوچستان

طی بررسی باستان شــناختی که در شهرستان های نیکشهر و چابهار صورت گرفت، تعــداد ۲۵ محوطه دارای تدفین های اشکانی شناسایی شد. با مطالعه همه جانبه ریخت شناسی این قبور، به این نتیجه رســیدیم که، فرم قبور سنگی به دو دسته کلی مربع (شکل ۱)و مدور (شــکل ۲) تقسیم می شود البته در موارد اندکی هم فرم این قبور بیضی است و در ساختمان آن ها از سنگ های موجود در محل، بدون هیچ ملاتی استفاده شده است. این قبور از نظر ســاختمانی به دو روش مختلف ساخته شده اند:

گورهای ساده و چهار گوش به همراه درب ورودی

گورهای نا منظم و به صورت بیضی شکل (شکل ۴)

این گورهــا بر روی دامنه کــوه پراکنده شــده اند برخی از گورهای سنگی دارای دیوارهای مســتطیل است که با تخته ســنگ های نامنظم پوشــیده و بلندی آنها به طور میانگین از ســطح زمین های اطراف بین ۱/۲۰ تا ۱/۵۰ متر است. سقف قبور که با ورقه های نا منظم ســنگی درســت شــده با خاک پوشیده شده است.

یک ســوی دیوارها معمولا دارای بخشی اســت که نیمه باز اســت و شــبیه در ورودی قبر است (شــکل ۵). سنگ های دیوارهای قبور دامب کوه بدون ملاط روی یکدیگر چیده شده بودند و به همین ســبب امروز به کلی خراب شــده و از شکل اصلی خود خارج شــده اند.. قطر متوسط دمبی ها بین ۳ تا ۳,۵ متر در نوســان اســت و ارتفاع باقی مانده آنها به طور تقریبی بین ۵۰ تا ۷۰ ســانتیمتر اســت. هســتند برخی از این قبور تا ارتفاع حدود نیم متر ســالم مانده و برخی دیگر دچار تخریب طبیعی شــده و فرم اصلی خود را از دست دادهاند. سنگ های این قبور به صورت خشــکه چین روی هم قرار گرفته اند و بر اثر فرســایش طبیعی و انسانی ســنگ های آن از جای اصلی خود جابجا شده و در اطراف ســازه اصلی پراکنده شده اند. این موضوع خود حاکی از بیشتر بودن ارتفاع واقعی این گونه سازه ها در دوره اشکانی اســت، که نمونه های سالم تر آن از مناطق باهوکلات به خصوص محوطه دمب کوه بدســت آمده است. (شکل ۶و ۷)

ســنگهای به کار رفته در ســاخت این دمبیها ، قلوه سنگهای نسبتا بزرگ کف رودخانه است که بر اثر مرور زمان به صورت سیاه کدر درآمدهاند.نحوه قرارگیری قبور متفاوت است و اکثر این دمبیها دارای جهت شمالغربی—جنوبشرقی هستند.

با توجه به نکات ذکر شده می توان استدلال کرد که با توجه به متعدد بودن شــیوه های تدفین دوره اشکانیان در ایران، در منطقه بلوچســتان ایران فقط یک نمونــه از آن که معروف به گورسنگی (Cairn burial) است که در بلوچستان به این شیوه تدفین دمبی یا دامبی نیز می گویند، کشف و ثبت گردیده است

الگوی استقرار قبور

درباره شرایط زیســت محیطی و تاثیر آن بر پراکندگی الگوی اســتقرار قبور، به طور قطع می توان اذعان کرد که عامل آب و وجود کوهستان های صخره ای، نقش عمده ای در پراکندگی این نوع از شیوه تدفین داشته است با بررسی باستان شناختی و محیطی در اطراف این گورستان ها، این نظریه متصور می شود که، عمدتا گورستان های متعلق به دوره اشکانی در مجاورت یا نزدیکی منابع آب قرار دارند و نشان از یک استقرار کوچرو دارد. وجود رودخانه های بزرگی همچون بمپور و رودخانه ســرباز، پتانسیل خوبی را برای اســتقرار گروه های انســانی در ادوار مختلف تاریخی ایجاد کرده اســت. با توجه بــه اینکه قبور در شرایط زیست محیطی تقریبا یکسانی هستند، می توان نتیجه گرفت که اقلیم و زیست بوم در این شیوه تدفین نقش بسزایی داشته است.

جدول شماره ۱- مشخصات محوطه های دارای تدفین سنگی

ردیف	شماره و نام مکان	نشانی		مختصات جغرافیایی		ارتفاع از سطح دریا (متر)	مساحت (به متر مربع)	دوره پیشنهادی
	نام	دهستان	بخش	طول جغرافیایی(E)	عرض جغرافیایی(N)			
۱	گیمک	مرکزی	بنت	۳۸۸-۱۱-۶۱	۳۴۴-۳۴-۲۵	۲۲	۸۷۰۰	پارتی
۲	چشنگر	توتان	بنت	۵۵۴-۱۱-۶۱	۵۷۸-۳۴-۲۵	۲۲	۹۴۳۰۰	پارتی
۳	قبرستان چیدگی	دستگرد	بنت	۷۴۳-۱۰-۶۱	۳۲۰-۳۵-۲۵	۲۵	۵۰۰۰	پارتی
۴	قبرستان توتان	توتان	بنت	۱۲۶-۱۲-۶۱	۶۸۲-۳۴-۲۵	۸	۴۶۰	پارتی
۵	دمبان تمپ چگرد	لاشار شمالی	لاشار	۰۰۱-۰۲-۶۱	۱۲۸-۳۷-۲۵	۳۳	-	پارتی
۶	سورمیچ بالا	لاشار شمالی	لاشار	۴۰۲-۰۲-۶۱	۱۵۸-۳۷-۲۵	۲۹	۲۴۰	پارتی
۷	کلات بگ	چانف	لاشار	۷۲۸-۰۴-۶۱	۸۶۹-۳۳-۲۵	۵۳	۵۸۹	پارتی
۸	دمبان شهریانچ	چانف	لاشار	۶۷۸-۰۴-۶۱	۶۲۵-۳۳-۲۵	۳۰	۱۵۶	پارتی
۹	جک بونان	چانف	لاشار	۲۹۹-۰۸-۶۱	۲۵۴-۳۴-۲۵	۲۳	۱۲۳۵	پارتی
۱۰	موسپنتان	هلونچکان	قصرقند	۹۹۵-۵۸-۶۰	۶۶۷-۴۷-۲۵	۳۹	۱۰۸۰۰	پارتی
۱۱	قبرستان دپ چوگری	هلونچکان	قصرقند	۶۶۷-۰۰-۶۱	۸۴۹-۴۷-۲۵	۴۷	۲۸/۳۶	پارتی

۱۲	زیارت جنگل ۳	هلونچکان	قصرقند	۴۴۲-۰۶-۶۱	۰۹۲-۴۸-۲۵	۴۸	۵۰۱۰	پارتی
۱۳	دمبی کوپانسر ۱	پلان	پلان	۸۶۴-۴۶-۲۵	۴۷۸-۲۸-۶۱	۲۳	۹۰۰	پارتی
۱۴	دمبی کلات کوه	بسوت	باهوکلات	۷۲۷-۳۵-۲۵	۳۴۳-۲۱-۶۱	۳۶	۱۳۸۹۰	پارتی
۱۵	دمبی کوه	بسوت	باهوکلات	۰۹۵-۲۲-۶۱	۶۳۱-۳۱-۲۵	۱۷	۱۹۵۰۰۰۰	پارتی

طبقه بندی و گونه شـــناختی سفال های بدست آمده از سطح قبور

ســـفال دوره پارت در منطقه بلوچســـتان بطور کلی به سه گروه تقسیم می شـــود: . اولین گروه سفال های این حوزه، معمولا منقوش بـــوده و گاهی یک رنگ یـــا دو رنگ و از لحاظ تکنیک ســـاخت، از ظرافت قابـــل توجهی برخوردار است. بدنه سفال با پوشش لعاب گلی نخودی و نقش های سیاه یا قرمز تزیین شـــده که لوزی هاف خطوط زیگزاگ و نقش های خطی نردبانی موضوع این نوع سفال ها تزئینات هندسی است(Decardi, ۱۹۵۱:۶۵). دومین نوع سفال این منطقه که کاوشگران آن را ســـفال لوندو (Londo) نام گذاری کرده اند، نوعی نوعی ســـفال منقوش است، که علاوه بر نقوش هندسی یاد شـــده، نقوش حیوانات از جمله نوعی سفال منقوش است که علاوه بر نقوش هندسی یاد شـــده، نقوش حیوانات از جمله اسب و بز کوهی بر روی آن ها دیده می شود. این گونه سفال در تمام موارد، مشخصه سفال غرب پاکستان اســـت و بیشتر محققان آن را با سفال هزاره دوم اشـــتباه کرده انـــد(fairservis, ۱۹۵۶:۷۹). سومین گروه ســـفال های شناسایی شـــده، سفال نارنجی ظریف منقوش اســـت با ســـطحی صاف و صیقلی، شامل جام ها و ســـاغرهای بلند با پســـتی و بلندی روی ان ها که بعضی از محققان معتقدند منشا هندی دارد(سید سجادی، ۱۳۷۴:۲۳۴).

با توجه به پیدا شدن یک سکه مسی در یکی از قبور محوطه دمبی کوه در منطقه بلوچســـتان متعلق به سناتروک (۷۰-۷۷) میلادی توسط اشتاین در سال ۱۹۳۷، دیگر هیچ یک از این گورســـتان ها مورد کاوش قرار نگرفتند. تنها شاهد ما از هـــزاره اول به این ســـوی در قبرهای ســـنگی دامب کوه است که اشتین با تردید بســـیارآن را پیش ازتاریخ می داند(Stein, ۱۹۳۷:۲۴۵) و کارلوفســـکی ســـفال های همانند سفال های این قبرستان را از لایه بالایی تپه یحیی به دست آورده است و آنها را اشـــکانی- ساسانی می داند (Karlovsky, ۱۹۶۶:۲۵۷)و بئاتریس دکارتی همین گونه سفال را لوندو شناســـانده و از هزاره اول پیش از میلاد می داند(Decardi, ۱۹۵۱:۶۵) این گونه ســـفال دارای خمیره قرمز رنگ وپوشـــش غلیظ اخرایی است وروی آن نقش های زیادی از جمله اســـب،مارپیچ های یونانی و... دیده می شود وگاه با دورنگ ســـیاه وسفید تزیین می شده اســـت. بر همین اســـاس و با در نظر آوردن این مطلب که بسیاری از این نمونه ســـفالها از قبور سنگی وخرپشته ای که بیشتر آنها را به هزاره دوم مرتبط می دانند به دست آمده است بنابراین باید این نظر را گفت که بسیاری از این گورها در حقیقت مربوط به دوره اشکانی در منطقه و زمانی است که آیین مزدیســـنا در داخل فلات ایران گسترش می یابد وسنت خاکســـپاری مردگان در خاک ناشایست می گردد واین نوع تدفین در منطقه با توجه به کوهســـتانی بودن و سنگلاخی بودن مورد پذیرش واقع می شود.

متاســـفانه به علت عدم کاوش در این قبـــور نمی توان تاریخ دقیق و مطلق برای آن ها پیشـــنهاد کرد ولی با توجه به داده های فرهنگی ســـطحی همچون سفال، می توان چنین ارزیابی کرد که تمامی ســـفال های یافته شـــده از محوطه ها به اســـتثنای تعداد محدودی، با توجه به ویژگی های ظاهری و گونه شناختی که در قســـمت بعدی به ان اشـــاره میکنیم، نگارندگان معتقدند‌که این سنت تدفین در بلوچستان متعلق به دوران حکومت پارت ها در این منطقه می باشـــد و می توان گاهنـــگاری این گورســـتان ها را به

اشکانیان نسبت داد.
در بررسی باستان شناختی که در شهرستان های نیکشهر و چابهار در بلوچستان صورت گرفت، تعداد ۲۵ محوطه دارای تدفین های اشکانی شناسایی شد که ۲۰ محوطه دارای سفال و ۵ محوطه آن فاقد سفال و هر گونه داده فرهنگی بود. مجموعا از این محوطه ها ۱۷۰ قطعه سفال به صورت تصادفی برداشت گردید که به شرح زیر طبقهبندی میشوند:
الف) سفالهای لعابدار: این سفالها که بیشترین نمونهها را شامل میشوند دارای لعابهای سبز و آبی از نوع لعابهای دوران اشکانی هستند. خمیره این سفالها نخودی میباشد.
ب) سفالهای چرخساز با خمیره قرمز آجری
ج) سفال لوندو
د) سفال بدون لعاب ساده
از آن جایی که هدف ما در مطالعه حاضر، گاهنگاری این محوطهها براساس مقایسه گونهشناختی سفالهای سطحی و شناخت ویژگیهای سفال این ناحیه بود، به متغیرهای سفال اهمیت بیشتری داده شد. کلیه سفالهای گردآوری شده از هر یک از محوطهها، از نظر شکل لبه، فرم ظرف، نوع تزیین، نقش مایه، طرح نقش، شاموت و رنگ خمیره مقایسه شد.
بیشتر سفالهای مکشوفه از محوطه ی گورستان ها، را سفالهای ساده اشکانی تشکیل میدهد که دارای هیچ گونه نقش مایه و تزیینی نیستند. رنگ خمیره سفالهای این دوره شامل رنگ نخودی، قرمز آجری، آجری، قرمز، نارنجی و قهوهای تیره میباشد. البته رنگ خمیره بیشتر سفالها متمایل به طیف قرمز بوده است. سفالگران این دوران عموما ظروف ساخته شده را با انواع پوششها و با رنگهای مختلف میپوشاندند و می آراستند. تلاش در جهت ارضا چنین حسی سبب ابداع پوششهایی با رنگ نخودی، قرمز، قهوه ای، آجری، قرمزآجری و نارنجی شده است. البته برخی سفا ها به صورت خودرویه هستند. از اشکال شاخص این گروه میتوان به کاسههای دهانه گشاد، قدح، جام و پیاله اشاره نمود.(شکل ۸ و لوحه ۱)
شیوههای تزیینی شامل نقش کنده، داغدار (صیقلی)، افزوده، استامپی و منقوش است و نقشمایه این تزیینات به صورت اشکال هندسی میباشد. یکی از نقوش تزیینی که بر روی سفالهای این دوره به کرات مشاهده میشود، خطوط افقی داغدار است که به موازات یکدیگر در سطح خارجی ظروف سفالین مشاهده میشود، گاهی اوقات این تزیین را میتوان در سطح داخلی ظروف هم مشاهده نمود. (شکل ۹ و لوحه ۲) البته بیشتر در مورد ظروف دهانه گشاد همانند کاسه ها صادق است. ظروفی که دهانهی آن تنگ است و داخل ظروف قابل مشاهده نیست این تزیین در سطح خارجی آن ها دیده میشود. بسیاری از فرم ظروف با مناطقی که دارای سفالهای تاریخی هستند قابل مقایسه بوده ولیکن برخی از فرمها مخصوص این منطقه است و آنها را باید در گروه سفالهای محلی بلوچستان قرار داد (شکل ۱۰ و لوحه ۳)
از آن جایی که هدف ما در مطالعه حاضر، گاهنگاری این محوطه ها براساس مقایسه گونه شناختی سفال های سطحی و شناخت ویژگی های سفال این ناحیه بود، به متغیرهای سفال اهمیت بیشتری داده شد. به منظور ریخت شناسی و سنجش زمانی سفال های گردآوری شده، محوطه های حفاری شده در اولویت قرار گرفت و نتایج محوطه های بررسی شده در درجه دوم اهمیت قرار داده شد. بعد از این مرحله، نمونهها گونهشناسی و سپس گونهشناختی شدند. در مرحله گونهشناختی، نمونههای سفالین با سفالینههای محوطههای شاخص دوره اشکانی که در ادامه به آن خواهیم پرداخت مورد مقایسه قرار گرفتند در این مقایسات سعی شد تا محوطههای حفاری شده در اولویت قرار بگیرند و نتایج محوطههای بررسی شده در درجه دوم اهمیت قرار داده شد.
نمونه سفال های بدست آمده از سطح محوطه ها، به طور کلی با نمونه هایی از محوطه های دوران اشکانی در ایران همچون، هگمتانه (آذرنوش،۱۳۸۶)، نوشیجان (Stronach,۱۹۶۹)، تپه گوری سیستان (مهرآفرین،۱۳۸۶:۱۲۵)، قلعه یزدگرد (Keall,۱۹۸۱)، ماهنشان زنجان(خسروزاده و عالی،۱۳۸۶)، سلوکیه(Debveoise,۱۹۳۴)، بیستون(Kleiss,۱۹۷۰.Ab:۲۶,no.۲۹) ، بندیان درگز (رهبر،۱۳۸۵)، قلعه سام (هرینگ،۱۳۷۶) خورهه (رهبر،:۱۳۸۲)، شیمان متعلق به دوره اشکانی(Kennet,۲۰۰۲) و ملیان(Alden,۱۹۷۸) مورد مقایسه گونه شناختی قرار گرفتند که تشابهات فرهنگی میان نمونه های بدست آمده از بررسی و نمونه های یاد شده، نشان از اشکانی بودن نمونه های سفالین و محوطه های شناسایی شده در بلوچستان دارد.

پیشنهادات

بر اساس اطلاعات فراهم شده مذکور می توان اذعان داشت که خلاء کمبود آگاهی ما از تاریخگذاری مطلق تدفین های سنگی بلوچستان، می تواند با کاوش های باستان شناسی روشن شود، زیرا پژوهش های انجام شده

در چارچوب این پژوهش موضوع را روشن ساخت، بنابراین می توان پیشنهاد داد:
بررسی های باستان شناختی روشـــمند در تمامی مناطق بلوچستان و کاوش در محوطه های شاخص دارای تدفین های سنگی می تواند، آگاهی ما از آثار بر جای مانده ای که درون قبور قرار دارد را روشن سازد.
انجام آزمایش های شـــیمیایی دقیق در آزمایشـــگاه های مجهز بر روی نمونه های ســـفالین مکشوفه از درون قبور، می تواند تاریخگذاری مطلق و قابل استنادی را از محوطه ها و ســـفال ها ارائه نماید. شناســـایی الگوی استقرار این قبور در نقاط مختلف ایران و گونه شـــناختی و مقایسه آنها با یکدیگر جهت آشکار شدن سبک های ساختاری متفاوت آنها، می تواند بـــه ارزیابی دقیق تر کمک کند. شـــناخت ساختارها و روند تحولات اجتماعی جامعه در دوره پارتیان در منطقه جنوب شـــرق ایران بویژه در کاوش محوطه ها می تواند پاســـخگوی نقش و تاثیر مذهب در چگونگی به خاکســـپاری اجســـاد و تاثیر طبقات اجتماعی بر شیوهای مختلف تدفین باشد

نتیجه گیری

بنابر تحقیقات و کاوشـــهای باستانشناســـی در ایران نیز از دورانهای پیـــش از تاریخ شـــیوههای تدفین گوناگونی بکار گرفته شـــده اســـت، در دوران تاریخی نیز روشهای دفن مـــردگان ویژگیهـــای خاصی دارد به طـــور مثال، در دوران حکومت اشـــکانیان بخاطر دلایلی همچون ملوک الطوایفی بودن حاکمیت، وجود مذاهب گوناگون و وسعت قلمرو حکومت، شـــیوههای متنوعی جهت دفن مردگان بکار گرفته شده که در مناطق مختلف ایران بسیار متفاوت اســـت. آیین به خاکســـپاری در گذشـــتگان ، رابطهٔ کاملاً مستقیمی با شـــیوهٔ تفکر مذهبی اقوام دارد . پیروان ادیان گوناگون دســـتورات خاصی برای تدفیـــن دارند دردوران اشکانی با توجه به تعداد مذاهب ، شاهد شیوه های متنوع و متعدد تدفین هســـتیم . در واقع یکی از دلایلی که محققان را بر این نظر معتقد کرده اســـت که دراین دوران آزادیهای مذهبی زیادی وجود داشـــته ، وجود روشـــهای گوناگون تدفین است
در منطقه بلوچســـتان ایران و به طور خاص حوزه مکران جنوبی ، بنابر بررســـی ها و پژوهش های انجام شـــده و با توجه به اســـناد و مدارک ارائه شـــده می توان چنین نتیجه گرفت، شیوه تدفین اشکانی در منطقه بلوچستان، بصورت گورهای سنگی موسوم به دمبی است، این قبور از انباشت قلوه ســـنگ های رودخانه ای به رنگ های ســـیاه و سفید به صورت نامنظم تشکیل شده اســـت و ارتفاع آن ها بین ۱ تا ۱,۵ متر متغیر اســـت. فرم قبور سنگی به دو دسته کلی مربع و مدور تقسیم می شـــود البته در موارد اندکی هم فرم این قبور بیضی است و در ســـاختمان آن ها از سنگ های موجود در محل، بدون هیچ ملاتی اســـتفاده شـــده است. این قبور از نظر ساختمانی به دو روش مختلف ساخته شده اند: مربع و مدور. تمامی گورها با سنگهای متورقی ساخته شده است که بصورت طبیعی در خود محل یافت می‌شوند. همهٔ گورها مســـقف بوده، اما فقط نمونه‌های کمی ســـالم باقی مانده و اکثراً سقف آنها در گذر زمان فرو ریخته است. برخی از گورها دارای ورودی می‌باشد. عرض دهانهٔ ورودی بین ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر متغیر اســـت. ارتفاع ورودی نیز بین ۵۰ تا ۷۰ ســـانتی‌متر می‌باشـــد. درباره این گونه تدفین ها نگارندگان معتقدند؛ عامل مذهب نقش بســـیار مهمی در پیدایش این نوع شـــیوه تدفین دارد و نشان از تفاوت هایی فرهنگی در ایران باستان دارد.
در طی بررســـی باســـتان شـــناختی در شهرستان های نیکشهر و چابهار، در اطراف اکثر قبور، نمونه های متعددی از ســـفال کشـــف و ثبت گردید و هیچ گونـــه داده منقول فرهنگی به جز سفال بدســـت نیامد. سفال های مکشوفه از این مناطق بطور کلی به ســـه دسته تقســـیم می شود: اولین گروه ســـفال های این حوزه، معمولا منقوش بوده و گاهی یک رنگ یا دو رنگ و از لحاظ تکنیک ســـاخت، از ظرافت قابل توجهی برخوردار است. بدنه سفال با پوشش لعاب گلی نخودی و نقش های ســـیاه یا قرمز تزیین شده که لوزی هاف خطوط زیگزاگ و نقش های خطی نردبانی موضوع این نوع ســـفال ها تزئینات هندسی است. دومین نوع سفال این منطقه که کاوشگران آن را سفال لوندو نام گذاری کرده اند، نوعی ســـفال منقوش است، که علاوه بر نقوش هندسی یاد شـــده، نقوش حیوانات از جمله اسب و بز کوهی بر روی آن ها دیده می شود. سومین گروه سفال های شناسایی شده، سفال نارنجی ظریف منقوش است با سطحی صاف و صیقلی، شـــامل جام ها و ساغرهای بلند با پستی و بلندی روی بدنه آن هاست. درباره شرایط زیست محیطی و تاثیر آن بر پراکندگی الگوی استقرار قبور، به طور قطع می توان اذعان کرد که عامل آب و وجود کوهســـتان های صخره ای، نقش عمـــده ای در پراکندگی این نوع از شیوه تدفین داشته است و با دقت بیشتر در کشور پاکستان و عمان در میابیم که تمامی این گورســـتان ها در مجاورت منابع آب قـــرار گرفته و همچنین وجود کوهســـتان های بســـیار در کنار آن ها از ویژگی های دیگـــر اکولوژیکی در نحوه پراکنش قبرستان ها می باشد.